



## Investigating the Status of Entrepreneurial University indicators in Islamic Azad University (Case study of Tehran)

Leila Seyed Mousavi, Fatemeh Hamidi far ✉, Mehdi Shariatmadari, Parastoo Khosravi, Bahark Shirzadkebria

### Abstract

**Background and Purpose:** As soon as it is established, an entrepreneurial university, by creating jobs and creating value for young people, will transform a country and transform its economy into an economy based on innovation, and will increase its global competitiveness and improve the quality of life of young people; The main purpose of this study was to investigate the status of entrepreneurial university indicators in Islamic Azad University as a case study in Tehran. **Method:** This research is applied in terms of purpose and quantitative in terms of method. The statistical population of the study includes faculty members of Islamic Azad University, Tehran Branch, among whom 283 were selected by random sampling according to Cochran's formula. In order to collect quantitative data, the researchers developed a researcher-made questionnaire based on theoretical and experimental studies. The "content validity" method was used to evaluate the validity of the questionnaire and also Cronbach's alpha was used to assess its reliability. To judge the desirability of the levels of each of the entrepreneurial university indicators of the faculty members of the Islamic Azad University of Tehran, Standard Spectrum Assessment of Bazargan et al has been used. **Results:** The results showed that the general situation of entrepreneurial university indicators in the University of Tehran is relatively favorable. Based on the one-sample t-test, the tendency of the presented answers tends to be less than average. Therefore, Islamic Azad University has the characteristics of an entrepreneurial university at a low level. According to the results obtained from Friedman rank test, among the dimensions of the entrepreneurial university, the environmental-contextual dimension has the most and the process dimension has the least impact on the development of the Islamic Azad University as an entrepreneurial university. **Conclusion:** Therefore, due to the great importance of entrepreneurship in development of countries and higher education systems, it is suggested that, like other universities in developed countries, the existence of an entrepreneurship center with a scientific and coherent structure be considered in the evaluation process of Islamic Azad Universities and also, its activity should be monitored as one of the evaluation criteria of the university.

**Received:** 10.06.2021

**Revision:** 11.07.2021

**Acceptance:** 17.08.2021

### Keywords:

*Entrepreneurial University, Structural, Environmental, Process, Behavioral, Developmental, young*

### How to cite this article:

Seyed Mousavi, L., Hamidifar, F., Shariatmadari, M., Khosravi, P., Shirzadkebria, B. Investigating the Status of Entrepreneurial University indicators in Islamic Azad University (Case study of Tehran). *Bi-Quarterly Journal of studies and psychological news in adolescents and youth*, 2021, 2(1): 142-159

### Article type

Original research

**1. Leila Seyed Mousavi**, PhD student, Department of Educational Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; **2. Fatemeh Hamidi Far**, Assistant Professor, Educational Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; **3. Mahdi Shariatmadari**, Assistant Professor, Department of Educational Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; **4. Parastoo Khosravi**, Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; **5. Baharak Shirzad Kebria**, Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,

✉ Correspondence related to this article should be addressed to, **Fatemeh Hamidi Far** Assistant Professor, Educational Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Email:** fatemehhamidifar@gmail.com

## بررسی وضعیت شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی (شهر تهران)

لیلا سید موسوی، فاطمه حمیدی فر<sup>✉</sup>، مهدی شریعتمداری، پرستو خسروی، بهارک شیرزادکبریا

### چکیده

**زمینه و هدف:** دانشگاه کارآفرین، به محض استقرار، با ایجاد کار و ارزش آفرینی جوانان، موجب تحول یک کشور و تبدیل اقتصاد آن به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری شده و سبب افزایش رقابت‌پذیری جهانی آن و بهبود کیفیت زندگی جوانان می‌شود. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی، مطالعه موردی شهر تهران بوده است. **روش پژوهش:** این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و رویکرد پژوهشی بکاربرده شده نیز، از نوع روش‌شناسی کمی بود. جامعه آماری پژوهش شامل اعضاء هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز بود که طبق فرمول کوکران ۲۸۳ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. محققان برای جمع‌آوری داده‌های کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای براساس مطالعات نظری و تجربی تدوین نمودند. برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش «روایی محتوا» و برای سنجش پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است. برای قضاوت در مورد مطلوبیت سطوح هر یک از فعالیت‌های شاخص‌های دانشگاه کارآفرین اعضاء هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، از طیف استاندارد ارزیابی بازرگان و همکاران استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج بدست آمده نشان داد که ۱۳ مؤلفه شاخص‌های کارآفرین در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند و مشخص می‌کند که وضعیت کلی شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تهران در حد نسبتاً مطلوب است. براساس آزمون t تک نمونه‌ای، گرایش پاسخ‌های ارائه شده متمایل به گزینه‌های کمتر از متوسط است. بنابراین طبق پژوهش انجام شده، دانشگاه آزاد اسلامی شاخصه‌های دانشگاه کارآفرین را در حد پائین داراست. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون رتبه‌ای فریدمن، از بین ابعاد دانشگاه کارآفرین، بعد محیطی-زمینه‌ای بیشترین و بعد فرآیندی کمترین تأثیر را در توسعه دانشگاه آزاد به عنوان دانشگاه کارآفرین دارد. **نتیجه‌گیری:** بنابراین، با توجه به اهمیت بسیار زیاد کارآفرینی در توسعه کشورها و نظام آموزش عالی، پیشنهاد می‌شود همچون سایر دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته، در فرآیند ارزیابی دانشگاه‌های آزاد اسلامی وجود مرکز کارآفرینی با ساختار علمی و منسجم و نیز میزان فعالیت آن به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی دانشگاه مورد توجه قرار گیرد.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

اصلاح مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

### واژه‌های کلیدی:

دانشگاه کارآفرین، ساختاری، محیطی زمینه‌ای، فرایندی، رفتاری، توسعه‌ای، جوانان.

### نحوه ارجاع دهی به مقاله:

سید موسوی، ل.، حمیدی فر، ف.، شریعتمداری، م.، خسروی، پ.، و شیرزادکبریا، ب. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی (شهر تهران). *دوفصلنامه مطالعات و تازه‌های روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۲(۱): ۱۵۹-۱۴۲

### نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

۱. لیلا سید موسوی، دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ۲. فاطمه حمیدی فر، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ۳. مهدی شریعتمداری، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ۴. پرستو خسروی، استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ ۵. بهارک شیرزادکبریا، استادیار گروه مدیریت آموزشی و آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به فاطمه حمیدی فر، گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران می‌باشد.

پست الکترونیکی: fatemehamidifar@gmail.com

## مقدمه

بحران‌های مالی (یلدریم و بیگ آسکون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲)، انبوه‌سازی آموزش عالی، برنامه‌های اشتغال، خواسته‌های دانشجویی، توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی، جهانی‌سازی، راهبردهای بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها، پیکربندی دانش جهانی، فرآیندهای تعامل و انتقال دانش، بودجه‌های دانشگاهی، آزادی علمی و استقلال دانشگاهی از جمله چالش‌های محیطی کارآفرینانه‌ای هستند که امروزه دانشگاه‌ها با آن رو به رو می‌باشند (گیب، هاسکین و رابرتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). چرا که، دانشگاه کارآفرین، به محض استقرار، با ایجاد کار و ارزش‌آفرینی، موجب تحول یک کشور و تبدیل اقتصاد آن به یک اقتصاد مبتنی بر نوآوری شده و سبب افزایش رقابت‌پذیری جهانی آن و بهبود کیفیت زندگی افراد می‌شود. دانشگاه کارآفرین یک مرکز رشد (انکوباتور)، است که تلاش می‌کند بطور هم‌زمان مأموریت‌های خود (تدریس، تحقیق و فعالیتهای کارآفرینانه) را انجام دهد و هم فضای کافی ایجاد کند تا در آن جامعه‌ی دانشگاهی بتوانند دیدگاه و نظرهای خلاقانه‌ای را که می‌توانند به سرمایه‌گذاری‌های جدید تبدیل شوند، شناسایی کنند (کیربی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به این که عامل انسانی مهم‌ترین جنبه‌ی کارآفرینی است و آموزش آن، بعنوان مهم‌ترین رسالت دانشگاه‌ها بشمار می‌آید، توجه به ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین در روند پیشرفت کارآفرینی در کشور تأثیر بسزایی خواهد داشت (بارانی، اطهری و زرافشانی، ۱۳۸۸). بسیاری از کارشناسان بر آموزش عالی و نقش مؤثر آن در ساخت و ساز اقتصاد دانشی و جامعه‌های مردم‌سالاری (دموکراتیک)، تأکید کرده و باور دارند که مؤسسه‌های آموزش عالی و در پی آن مدیران این مؤسسه‌ها، ناچار به بازنگری اساسی در وظیفه‌ی خود برای پاسخ به خواسته‌های جامعه مدنی هستند (کسترو مارتینز، جیمینز سیز و آریوواسکیوز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳). متأسفانه، در ایران دانشگاه‌ها پژوهش‌محور بوده و فعالیت چندانی در زمینه‌ی تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی، تربیت افراد کارآفرین و تبدیل شدن به دانشگاه‌های کارآفرین ندارند (سلام زاده، سلام زاده و درایی، ۲۰۱۱). همچنین، تعامل با خبگان و دانشگاهیان و بکارگیری ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها، بویژه تعامل صنایع، بازار و شرکت‌ها با دانشگاه‌ها مورد توجه قرار نگرفته است (پوررشیدی و شجاعی‌فرح آبادی، ۱۳۹۱).

پرداختن به مقوله‌ی کارآفرینی و پرورش دانش‌آموختگانی که دارای توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی یک کسب و کار مناسب باشد، بعنوان وظیفه‌ی اصلی دانشگاه مورد غفلت قرار گرفته و متأسفانه خلاء آن در دانشگاه‌های کشور بسیار محسوس است (هادی‌زاده، ثقفی و فتحی، ۱۳۹۲). امروزه مراکزهای آموزش عالی کشور بجای پاسخگویی به نیازهای جامعه، به مرکزهایی برای پاسخگویی به نیازهای کسب مدرک و اعتبار دانشجویان تبدیل شده‌اند (عزیزی، شفیغ‌زاده و اکبرزاده، ۱۳۹۲). متأسفانه باید اذعان کرد که در ایران اگر چه در حال حاضر، طرح‌ها و برنامه‌های متفاوتی برای پشتیبانی از توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تجاری‌سازی تحقیقات در داخل کشور اجرایی شده، اما بررسی‌های مطالعات اخیر بیانگر نامناسب بودن وضعیت کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور است (صمدی میارکلایی و همکاران، ۱۳۹۳). لذا این تحقیق بر آن بوده است شاخص‌های اصلی «دانشگاه کارآفرین» را شناسایی کند و الگوی ایجاد و توسعه دانشگاه کارآفرین را برای دانشگاه آزاد اسلامی تدوین نماید و متناسب‌سازی این الگو با واقعیتها و شرایط موجود دانشگاهها را نیز از طریق مطالعات میدانی و نظرسنجی از متخصصان آموزش عالی کشور در زمینه کارآفرینی به انجام رساند. بنابراین تحقیق حاضر در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که چه الگویی می‌توان برای کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی شهر تهران) ارائه و تدوین نمود؟

## مبانی نظری

دانشگاه کارآفرین مکانی است که مشاغل جدید در آن خلق می‌شوند. این مراکز از افراد کارآفرین حمایت می‌کند. این حمایت شامل حمایت‌های آموزشی، مالی و بازاریابی است. در نتیجه کارآفرینان امکان دسترسی به کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و ... را پیدا می‌کنند. در چنین دانشگاه‌هایی برای سرمایه‌گذاران امکاناتی فراهم می‌شود تا مراکز جدید کسب و کار را فراهم آورند. در این دانشگاه‌ها گرد هم آوردن ذخایر مالی اهمیت ویژه‌ای دارد و خصوصاً به کمک‌های دولتی نیز نیازمندند. مشاغلی که از این دانشگاه‌ها بهره‌مند می‌شوند مسلماً در توسعه فناوری‌های جدید، پیش رو خواهند بود. این فناوری‌ها در تولید کالاها به کار رفته و منجر به بالا رفتن سطح استاندارد زندگی خواهد شد. دانشگاه

های رقابتی اقتصادی باشد (دایک و همکاران<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). در ادبیات دانشگاه کارآفرین مدل‌های مختلفی وجود دارد که مبتنی بر مأموریتها، نوع آموزش، پژوهش و فعالیتهای کارآفرینانه است. **مدل کلارک**: از مدل‌های نظری که کلارک (۱۹۹۸) به آن اشاره کرده است توجه به عوامل محیطی و درونی است که دارای اجزای زیر است. عوامل محیطی که شامل دو بخش رسمی و غیررسمی است. بخش رسمی شامل رهبری قدرتمند، محیط گسترش یافته و منابع مالی متنوع. بخش غیررسمی نیز عواملی چون محقق بانگیزه، عامل حیاتی، فرهنگ و کارآفرینی یکپارچه است. وی با بررسی پنج، دانشگاه اروپایی به این نتیجه رسید که دانشگاه‌ها در هنگام گذار به کارآفرین شدن، از پنج، عامل اثرگذار متاثر می‌گردند که عبارتند از: هسته هدایتگر تقویت شده، یک محیط پیرامونی توسعه‌ای بسط یافته، یک پایه مالی متنوع، فرهنگ کارآفرینانه یکپارچه و هسته آکادمیک با انگیزه. سه عامل اول را جزو عوامل رسمی، و دو عامل آخر را جزو عوامل غیررسمی می‌دانند.

کارآفرین باید به بازار دسترسی داشته و از تجارب افراد صاحب تجربه در بازار کمال بهره را ببرد. همچنین وجود افراد توانا و شایسته، علاقه‌مند و خلاق در چنین مجموعه‌هایی ضروری است. در این مراکز ارتباطات افراد و گروه‌ها به صورت باز و افقی است که معمولاً غیررسمی نیز می‌باشد. وجود جلسات برای تبادل اطلاعات و فعالیت‌ها ضروری است و از ایده‌های جدید و خلاق استقبال می‌شود. در این دانشگاه‌ها نیروی انسانی و خصوصاً دانشجویان، با ارزش‌ترین منبع بحساب می‌آیند و از ریسک‌پذیری و نوآوری آنها نیز حمایت بعمل خواهد آمد. می‌توان شعار این دانشگاه‌ها را آرمان مدون، آینده‌نگر، مشتری‌گرا و نوآور نوشت (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶). تاکنون تعاریف مختلفی از دانشگاه کارآفرین ارائه شده است. در یکی از این تعاریف که بنظر جامع‌ترین آنها است، دانشگاه کارآفرین را بمعنای دانشگاهی معرفی می‌نماید که در آن تمام فعالیتهای اعضا از قبیل آموزش، پژوهش و ... بگونه‌ای مدیریت، اداره و اجرا می‌گردد که دانشگاه بعنوان نهاد یا شبه شرکتی اقتصادی تلقی گردد. یعنی جهتگیری این فعالیتها در جهت سوددهی و نیز کسب مزیت

جدول ۱. مدل‌های نظری دانشگاه کارآفرین

جدول ۱. مدل‌های نظری دانشگاه کارآفرین		
عامل محیطی		
غیررسمی	رسمی	نظریه‌پردازان
فرهنگ سازی	اهداف و مأموریت، ساختار، مدیریت، رهبری، ارتباطات، وابستگی به دولت و صنعت، سرمایه دانش کاربرد، پیوستگی، ساختار، مشوق‌ها و پشتیبانی عامل درونی	اسپورن (۲۰۰۱) اتزکویتز (۲۰۰۴)
فرهنگ سازی	اهداف و مأموریت، ساختار، مدیریت، رهبری، ارتباطات، وابستگی به دولت و صنعت، سرمایه دانش کاربرد، پیوستگی، ساختار، مشوق‌ها و پشتیبانی عامل درونی	روتزمل و همکاران (۲۰۰۷)
منابع	اهداف و مأموریت، ساختار، مدیریت، رهبری، ارتباطات، وابستگی به دولت و صنعت، سرمایه دانش کاربرد، پیوستگی، ساختار، مشوق‌ها و پشتیبانی عامل درونی	نظریه‌پردازان
مأموریت	اهداف و مأموریت، ساختار، مدیریت، رهبری، ارتباطات، وابستگی به دولت و صنعت، سرمایه دانش کاربرد، پیوستگی، ساختار، مشوق‌ها و پشتیبانی عامل درونی	روتزمل و همکاران (۲۰۰۷)

1. Dabic et al

جدول ۲. ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و عناصر کلیدی دانشگاه کارآفرین

گسترش رهبری قوی (کلارک)	گسترش محیط سازمانی (کلارک)	متنوع‌سازی منابع مالی (کلارک)	هسته فنی قوی دانشگاهی (کلارک)	گسترش فرهنگ کارآفرینی (کلارک)
شیوه مدیریت کارآفرینانه (روپکه)	اعضای کارآفرین (روپکه)	تعاملات کارآفرینانه (روپکه)		
همبستگی و ایجاد پیوند (اتزکویتز)	استقلال (اتزکویتز)	دانش (اتزکویتز)	نوسازی (اتزکویتز)	
مدیریت، نظارت، رهبری مأموریت، هدف (اسپورن)	ساختار و محیط بیرونی (اسپورن)	فرهنگ (اسپورن)		
سازمان‌دهی، تأیید (کربی)	ارتباطات (کربی)	پاداش‌دهی و مشارکت‌کربی	تشویق، حمایت و اجراء‌کربی	

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین مدل بارتون کلارک (۲۰۰۵) جامعیت دارد و اکثر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سایر مدل‌ها را دربرمی‌گیرد. می‌توان شیوه مدیریت کارآفرینانه (روپکه)، مدیریت، مأموریت، هدف، نظارت، رهبری (اسپورن) و سازماندهی و تأیید (کربی) را در قالب هسته رهبری قوی کلارک مورد بررسی قرار داد. همچنین مؤلفه همبستگی (اتزکویتز) که بمعنی تعامل دانشگاه با صنعت و دولت است و ساختار سازمانی (اسپورن) که ابزار تعامل دانشگاه با محیط بیرونی را فراهم می‌آورد و مؤلفه ارتباطات (کربی) که به پیوند شبکه‌ای بین دانشگاه و محیط بیرونی اشاره دارد می‌توان ذیل مؤلفه توسعه محیط سازمانی کلارک قرار داد. پیداست استقلال دانشگاه تنها مالی نیست اما وابستگی به منابع مالی یکی از دلایل عمده وابستگی‌های دانشگاه به سازمانها و اشخاص دیگر است. بر همین اساس، کلارک معتقد است در دانشگاه کارآفرین از طریق متنوع‌سازی درآمدها، وابستگی به سایر سازمانها بویژه دولت محدود می‌شود و هسته رهبری و فنی قوی می‌تواند استقلال دانشگاه را تأمین کند (کلارک، ۱۹۹۸؛ به نقل از فرامرزی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

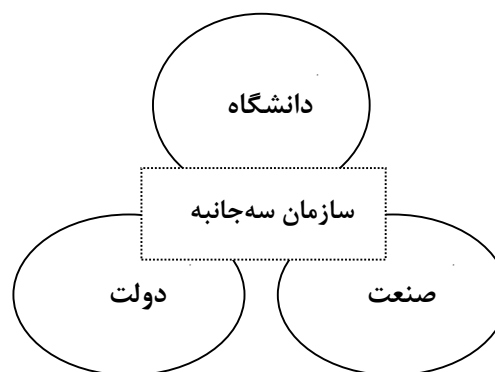
**مدل سه جانبه دانشگاه کارآفرین اتزکویتز و لیدسدروف<sup>۱</sup>:** این مدل تلاش دارد تا ترتیب نوینی از نیروهای نهادی را در سیستمهای نوآوری ارائه دهد. همانگونه که دانش و اطلاعات به بخش مهمی از نوآوری تبدیل می‌شود، دانشگاه کارآفرین نیز بعنوان نهاد تولیدکننده و انتشاردهنده دانش، نقش و وظیفه گسترده‌تری در نوآوری

صنعتی ایفا می‌نماید (اتزکویتز و لیدسدروف، ۲۰۰۰). اتزکویتز و لیدسدروف (۲۰۰۰) مدل سه جانبه ای را ارائه کردند که با مدل مارپیچی موجود روابط بین سه عملگر نهادی را نشان می‌دهد، متمایز است. کشوری که زیرساخت ارتباطات بین شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و دولت را تقویت می‌کند حاشیه رقابتی را توسط توزیع اطلاعات در زمینه تولید بدست می‌آورد. در حال حاضر، سیستم نوآوری به کارایی و تعامل بین عاملین اصلی درگیر در فرایند تولید و انتشار دانش وابسته است. از سوی دیگر، شرایط اقتصادی نیز منجر به پذیرش اثر نوآوری بعنوان عامل تعیین کننده رشد و تکامل فرایندهای نوآوری می‌شود. این مسئله نقش حیاتی روابط سالم بین دانش و صنعت را در توسعه صنایع جدید و جذب منابع انسانی نشان می‌دهد (مارکویز<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). با گسترش ارتباط بین دانشگاه با جامعه و صنعت، نقش دولت در آموزش عالی دچار تغییر و تحول شده است. از سوی دیگر بعلاوه محدودیت در منابع و شرایط رقابتی، اکثر کشورها سیاست تمرکززدایی در آموزش عالی بهمراه افزایش مسئولیت دانشگاه را در پیش گرفته است (به نقل از موحدی و سپه‌پناه، ۱۳۹۵). بر این اساس، وجود رابطه بین صنعت و دانشگاه و اجرای سیاست همکاری اثربخش حائز اهمیت است. این همکاری سبب افزایش توانایی فنی، ارتقای منابع انسانی و جذب منابع مالی می‌شود. بطور کلی در اقتصاد دانش محور، دانشگاه نقش محوری در جریان نوآوری دارد و بعنوان عرضه کننده سرمایه انسانی و ایجاد فضای فیزیکی برای تشکلات جدید اقتصادی تلقی



دانشگاهی، عوامل رسمی و گرایش دانشگاهیان به کارآفرینی، موضوع کارآفرینی در دانشگاه و مدل‌های نقش، موارد نمونه و سیستم‌های پاداش دانشگاهی، عوامل غیررسمی مدل آنها محسوب می‌شود. از نظر ایشان، وابستگی درونی با صنعت و دولت و استقلال از سایر حوزه‌های نهادی، اشکال سازمانی هیبرید، و تبدیل دانش به سرمایه از عوامل رسمی و نوسازی مجدد عامل غیررسمی مدل آنها بشمار می‌آید. از نظر گوررو و اربانو<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، دانشگاه کارآفرین از یک مدل سه بخشی که در تقابل با یکدیگر هستند تشکیل شده است: آموزش، پژوهش و کارآفرینی (شکل ۲). در این مدل از طریق مأموریت و رسالتی که دانشگاه دارد، به شکلی مستقیم و غیرمستقیم به توسعه اقتصادی کشور کمک می‌شود. مشخص‌ترین فرض اصلی در این مدل نظری حفظ نرخ خروجی سرانه مالی در طولانی مدت است که می‌تواند به پیشرفت دانش فنی کمک بسزایی کرده و منجر به تولید محصولات و بازارهای جدید شود. در این سناریو، نقش دانشگاه ارائه‌دهنده دانش فناوری است که جنبه نوآورانه داشته و بعنوان یک منبع مهم رشد اقتصادی بشمار می‌رود. همچنین در این مدل باید به توزیع بودجه و نیز رتبه‌بندی دانشگاه نیز توجه شود زیرا دانشگاه‌ها در محیط‌های مختلف با چالش‌های متعددی روبرو هستند و این مسئله از تولید دانش تا مرحله انتقال فناوری همواره دیده می‌شود. براساس این دیدگاه، اندازه‌گیری اثرات تبدیل شده به دانشگاه کارآفرین بسیار پیچیده خواهد شد؛ اما با وجود برخی از مشکلات، محققانی چون وگل و کین (۲۰۱۰) و لندیل (۲۰۰۳) اذعان داشتند که بدون شک، دانشگاه کارآفرین دارای نتایج متعددی از جمله تحقیق، تدریس و فعالیتهای کارآفرینی است که هر یک از این نتایج منتهی به پیامدهای اقتصادی و رشد درون‌زا می‌شود. در نهایت این اثرات می‌تواند منجر به بهبود شرایط اقتصادی جامعه هدف شود. در این مدل فعالیتهای آموزشی در دانشگاه کارآفرین سبب می‌شود تا دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی به افرادی بدل شوند که توانایی ایجاد شغل دارند (کربی و همکاران، ۲۰۱۱). از اینرو، دانشگاه کارآفرینی می‌تواند تأثیر زیادی بر مفاهیم اقتصادی، سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی داشته باشد و مهارت‌های لازم را از طریق آموزش در افراد ایجاد کرده، استعدادها را مورد شناسایی قرار دهد و به جذب سرمایه مورد نیاز بپردازد.

می‌گردد (گوررو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). سه حوزه دولتی، خصوصی و دانشگاهی در گذشته در محیط اقتصادی آزاد عمل می‌کردند، اما در حال حاضر در الگوی سه جانبه درگیر شدند که در مراحل مختلف فرایند نوآوری ظاهر می‌شوند. هدف عمده این الگو توسعه محیط خلاق و نوآور است که از طریق تقویت کارآفرینی می‌توان به آن دست یافت. در این الگو به چند عامل باید توجه کرد: تأسیس شرکت‌های منشعب از دانشگاه، ابتکارات سه جانبه بمنظور توسعه اقتصادی دانش‌محور از جمله پارک علم و فناوری، ایجاد هماهنگی استراتژیکی بین شرکتها، تأسیس نهادهای ترکیبی بعنوان واسط و به شکل غیرانتفاعی و عقد قرارداد تحقیق و توسعه با آزمایشگاه‌های دولتی و گروه‌های تحقیقاتی دانشگاهی (مارکویز و همکاران، ۲۰۰۶). با توجه به این مدل انتظار می‌رود که دانشگاه یک جریان نوآوری ایجاد و قابلیت کارآفرینی موردنیاز جامعه را فراهم نماید. لذا برای رسیدن به این منظور می‌بایست رابطه دانشگاه - جامعه - صنعت بصورت تعاملی باشد، زیرا دانشگاه کارآفرین نقش مؤثری در کاربردی نمودن نهادهای برای تولید علم را دارد (نوبخت‌وند و همکاران، ۱۳۹۲).



شکل (۱) مدل سه جانبه دانشگاه کارآفرین (ارتباط بین صنعت، دولت و دانشگاه)، منبع (انزکوینتز و لیدسدروف، ۲۰۰۰)

**مدل گوررو و همکاران:** گوررو و همکارانش (۲۰۱۵)، در مدل خود از تئوری اقتصاد نهادی، بمنظور تمرکز بر عوامل نهادی رسمی و غیررسمی موثر بر دانشگاه کارآفرین بهره بردند. آنها عوامل را به دو دسته تقسیم نمودند: ساختار سازمانی دانشگاه و اداره دانشگاه، معیارهای حمایتی از شرکت‌های نوپای دانشگاهی و برنامه‌های آموزش کارآفرینی



شکل ۲. مدل پیشنهادی دانشگاه کارآفرین. منبع (گوررو و همکاران، ۲۰۱۵)

مرحله دوم فرایندها که شامل آموزش، پژوهش، مدیریت، پشتیبانی، تجاری‌سازی انتخاب و گزینش دانشجویان، اساتید و کارکنان، تامین مالی، شبکه‌سازی، فرایندهای تعامل چندجانبه بین دانشجویان، اساتید، کارکنان، محققین صنعت، مراکز کارآفرینانه، صنایع، سیاستگذاران و جامعه و در نهایت فعالیت‌های نوآوری، تحقیق و توسعه می‌باشد. مرحله سوم خروجی‌هاست که شامل منابع انسانی کارآفرین (اساتید، دانش‌آموختگان، محققین و کارکنان)، تحقیقات اثربخش در راستای نیازهای بازار، نوآوری‌ها و اختراعات، شبکه‌های کارآفرینانه و مراکز کارآفرینانه (برای مثال انکیباتورها، پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های انشعابی و...) می‌باشد. پیامد این خروجی‌ها، پدیدار شدن دانشگاه نسل سوم یا همان دانشگاه کارآفرین است.

#### پیشینه‌های پژوهش

محمدپور و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «طراحی و تدوین الگوی جامع دانشگاه کارآفرین با رویکرد فرا ترکیب» انجام دادند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی با رویکرد کیفی فراترکیب بود. بدین منظور، ۱۱۴ مقاله برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی، مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، بررسی شد. پس از کدگذاری، مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین در ۱۵ مقوله عمده، ۴۱ مفهوم و ۱۸۱ کد، سازماندهی و میزان اهمیت و اولویت هر یک از مفاهیم با استفاده از آنتروپی شانون تعیین شد. نتایج حاکی از آن بود که مفاهیم نوع ساختار، فرهنگ حامی کارآفرینی، حمایت مدیریت از فعالیتهای کارآفرینانه، اهداف و راهبردهای کارآفرینانه، تجاری‌سازی دانش، برنامه درسی کارآفرینانه، معرفی کارآفرینان دانشگاهی بعنوان الگوی نقش، تشکیل مراکز

**مدل گیب و همکاران:** گیب، هسکینز و روبرتسون (۲۰۰۹) با مشاهده آثار اندیشمندان پیشین و نیز با نظر به چالش‌های موسسات آموزش عالی در زمینه گرایش به دانشگاه کارآفرین، دانشگاه کارآفرین را در قالب یک سازمان کارآفرین مطرح نموده و چارچوب زیر را ارائه داده اند. این چارچوب برای ارزیابی چالش دانشگاه‌ها برای نایل شدن به طراحی کارآفرینانه سازمانی پیشنهاد شده است.

**مدل سلام زاده و همکاران:** سلام زاده و همکاران (۲۰۱۱)، با مطالعه‌ای که در ایران انجام دادند، به دنبال تبیین و استحکام دانش موجود در زمینه دانشگاه کارآفرین و همچنین ارائه چارچوبی برای نسل سوم دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های کارآفرین بودند. آنها رویکردی سیستمی را با بهره‌گیری مدل ورودی-فرایند-خروجی - پیامد در دستور کار خود قرار داده و پس از مرور ادبیات، طی بیست و پنج، مصاحبه نیمه ساختاریافته با کارشناسان و متخصصین آشنا به این حوزه، چارچوبی سیستمی را پیشنهاد می‌کنند. مصاحبه شونده‌گان از میان اساتید دانشگاهی، سیاستگذاران، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و متخصصین موجود در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران انتخاب شده و دارای پیشینه‌ای مرتبط بودند. همچنین داده‌ها، پس از سه مرحله کدگذاری، طی چند جلسه گروه کانونی مورد بررسی و مذاقه بیشتر قرار گرفته و بعنوان نتایج، تحقیق ارائه شده است. وی در ارائه طراحی یک مدل مفهومی پویا برای دانشگاه کارآفرین، چهار مرحله را مورد تاکید قرار داده است که عبارتند از: مرحله اول ورودی‌ها که شامل منابع (انسانی، مالی، اطلاعاتی و فیزیکی)، قوانین و مقررات، ساختار، ماموریت، قابلیت‌های کارآفرینانه، انتظارات جامعه، صنعت، دولت و بازار است.

بازاریابی، توسعه ارتباطات و شبکه‌سازی، بیشترین اهمیت و بالاترین رتبه‌ها را در بین مفاهیم داشت. مرتضایی، صالحی و نیازآذری (۱۳۹۷) در مطالعه‌شان به شناسایی مؤلفه‌های انسانی اثرگذار ساختار سازمانی در دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اقتصاد دانش بنیان بمنظور ارائه مدل مناسب پرداختند. نتایج پژوهش در بخش کیفی بیانگر آن بود که در ایجاد اقتصاد دانش بنیان، ۸ مؤلفه در بعد ساختار سازمانی شناسایی شد. در بخش کمی، یافته‌ها حاکی از آن بود که مؤلفه توجه همه‌جانبه به نوآوری در دانشگاه با بالاترین بار عاملی (۰/۷۹) و مؤلفه تصمیم‌گیری بصورت غیر رسمی و شورایی با کمترین بار عاملی (۰/۶۸)، از کل واریانس‌ها را تبیین و سایر مؤلفه‌ها بترتیب در درجات بعدی اهمیت قرار گرفتند. همچنین میزان ضریب تأثیر مؤلفه‌های موجود در ساختار سازمانی دانشگاه کارآفرین در ایجاد اقتصاد دانش بنیان به تنهایی بالاترین ضریب تأثیرگذاری در مؤلفه توجه همه‌جانبه به نوآوری در دانشگاه با ۰/۷۹ و کمترین در مؤلفه تصمیم‌گیری بصورت غیررسمی و شورایی با ۰/۶۸ بود. موسوی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «ارائه مدل توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران» انجام دادند. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بود که از نظریه داده بنیاد سیستماتیک استفاده شده است. ۴۶۲ گزاره مفهومی در قالب ۱۲۶ مقوله عمده طبقه‌بندی و در نهایت ۲۲ مقوله هسته‌ای بدست آمد. مقوله‌های عمده و هسته‌ای در قالب ابعاد شش‌گانه علی از جمله (تعهد و گرایش مدیریت و رهبری به کارآفرینی، بین‌المللی شدن)، زمینه‌ای (انعطاف پذیری قوانین و مقررات و حمایت مالی و سرمایه‌گذاری کارآفرینانه)، مداخله‌گر (پیمان متعهدانه دانشگاه و صنعت، حمایت‌های فراسازمانی)، راهبردها (برنامه درسی با رویکرد کارآفرینی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی کارآفرینی، هماهنگی کریدورهای کارآفرینی) و پیامدها (بهبود و تضمین کیفیت، توسعه اجتماعی و اقتصادی و رضایتمندی دانشجویان) به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا داده شد و مدل پارادایمی پژوهش ارائه شد. عابدی (۱۳۹۶) در تحقیقی اقدام به تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی از دیدگاه مدیریت آموزش کشاورزی نمودند. نتیجه‌ی تحلیل نشان داد که ارتباط‌های سازمانی، تدریس-یادگیری، برنامه ریزی درسی، تمایزهای یک دانشگاه کارآفرین کشاورزی و

منابع طبیعی با دانشگاه کارآفرین در دیگر رشته‌ها و فعالیت‌های فرآیندی، برخی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی یک دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی می‌باشند. مؤلفه‌های مورد بررسی در دو بخش راهبردی و فرآیندی با یکدیگر رابطه‌ی آماری معنی‌داری داشتند. دیدگاه مدرسان در زمینه‌ی میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها برای ایجاد دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی، بیانگر آن بود که هر چند در اسناد بالادستی توجهی جدی به کارآفرینی شده، اما مدیران ارشد وزارتخانه بویژه، مدیران آموزشی دانشگاه‌ها حمایت کافی را بعمل نمی‌آورند. یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی نیز، گویای تأیید مدل دانشگاه کارآفرین گیب در جامعه مورد بررسی بود و از بین مؤلفه‌های مورد بررسی، تبادل و انتقال دانش با ضریب ۰/۸۳ دارای بیشترین همبستگی با قابلیت ایجاد دانشگاه کارآفرین بوده است. صمدی‌میارکلایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در بررسی خود با عنوان ارزیابی شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه مازندران، دریافتند که ویژگی‌ها و شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در این دانشگاه شامل: مؤلفه‌های چشم‌انداز، مأموریت و راهبرد دانشگاه، حاکمیت و اداره‌ی دانشگاه، ساختار و طرح سازمانی چندرشته‌ای و فرارشته‌ای، توانایی نفوذ و استفاده از منابع‌های گوناگون، مدیریت نیازهای ذینفعان و توجه به ارزش‌های جامعه، دانش‌آموختگان، انتقال دانش، مرکز رشد، تأمین و حمایت مالی شرکت‌های وابسته به دانشگاه در زمینه‌ی خطرهای پیش‌روی احتمالی، بین‌المللی‌سازی و در نهایت آموزش کارآفرینانه و آموزش سرمایه‌گذاری، در سطح نامناسبی قرار دارند. نتایج پژوهش بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی»، نشان داد که الگوی دانشگاه کارآفرین از منظر کارآفرینی سازمانی، شامل مؤلفه‌های کیفیت دانش‌آموختگان، انتشار یافته‌های علمی، جذب منابع مالی، قراردادهای پژوهشی، ثبت اختراع، ایجاد کسب و کارهای زایشی، ایجاد پارک علم و فناوری، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، ساختار سازمانی منعطف، رویکرد کارآفرینانه‌ی استادان، مدیریت کلان، محتوای دروس و ویژگی‌های دانشجویان می‌شود. در پژوهش فرامرزی‌نیا و فرهادی‌راد (۱۳۹۳) با عنوان «مفاهیم و ضرورت دانشگاه کارآفرین و ارائه مدل نظری سنجش دانشگاه کارآفرین در دانشگاه شهید



افزایش ظرفیت در اقتصاد دانش بنیان و کارآفرینی دانشجویان شده است. گورو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی کارآفرینی و نوآوری در شاخص‌های دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در کشور ترکیه با روش پیمایشی نشان دادند که دانشگاه برای ایجاد سیستم رتبه‌بندی از تفکری حمایت نموده است که خط مشی، پژوهش و مدیریت آن نیازمند رویکرد اقتصاد دانش بنیان مبتنی بر نوآوری در همه جوانب بوده باشد. جیمسون و آدونل<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، در تحقیقی که در زمینه‌ی شناخت مؤلفه‌های دانشگاه کارآفرین انجام دادند چهار بخش مأموریت و ارزش‌ها، توسعه‌ی مجموعه مهارتی و ذهنی، مرکز فرماندهی قوی و سازماندهی و منبع‌ها را بعنوان بخش‌های مختلف فرآیند تحقق یک دانشگاه کارآفرین شناسایی کردند. نتایج پژوهش گراهام (۲۰۱۴) که در دانشگاه‌های کارآفرین پیشرو در ۱۹ کشور جهان انجام گرفته است، نشان داد که مؤلفه‌های مهم در ایجاد دانشگاه کارآفرین عبارتند از: تعامل کارآفرینان و نوآوران در سراسر جامعه‌های دانشگاهی و منطقه‌ای، توانمندی در تحقیقاتی که بوسیله‌ی صنعت تأمین مالی می‌شوند و صدور پروانه از دانشگاه‌های صاحب فناوری، دستور کار نوآوری و کارآفرینی دانشگاهی منعکس شده در سیاست‌ها، مأموریت‌ها، تخصیص بودجه، مشوق‌ها و برنامه‌های درسی. هوان‌کو<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «ارتقای فنی و نقش دانشگاه‌ها: رشد مبتنی بر نوآوری کره جنوبی با استفاده از مدل شرکتی منحنی» اذعان داشت که مدل شرکت منحنی دانشگاه‌هایی را مدنظر قرار می‌دهد که نمی‌توانند کارآفرین شوند. چنین دانشگاه‌هایی را صنعت تأسیس یا ایجاد می‌کند و از طریق این همکاری دانشگاه دچار تغییر می‌شود و به دانشگاه کارآفرین تبدیل می‌شود. بنابراین مدل شرکت منحنی در مورد روابط دانشگاه-صنعت-دولت احتمالاً به یک مؤلفه‌ی کلیدی برای راهبردهای نوآوری ملی یا چندملیتی در اقتصادها تبدیل می‌شود که شرکت‌های خصوصی یا دولتی برای ظهور دانشگاه‌های کارآفرین نقش کلیدی و مهمی را ایفا می‌کنند. بنابراین، دولت‌ها نیز باید برای ارتقاء ایجاد جریان جدید نوآورانه که مدل شرکتی منحنی را ممکن سازد، نقشی تسهیل کننده و کنشگر اتخاذ کنند. همچنین، پاداش‌ها و حمایت اجرایی از طریق مکانیسم‌هایی

چمران اهواز» مشخص شد دانشگاه برای آنکه کارآفرین شود؛ باید اهداف و مأموریت‌های خود را بگونه‌ای تنظیم و تدوین کند که برای مواجهه با نوپیدایی‌های عصر حاضر از آمادگی مناسب برخوردار باشد. در نتیجه باید بین فرهنگ کارآفرینانه، تنوع در منابع مالی، گسترش مرزهای ساختاری، هسته رهبری قوی و پایه‌ی دانشگاهی قوی ارتباط چند سویه برقرار کند. نوبخت‌وند و همکاران (۱۳۹۲) تحت عنوان «نقش دانشگاه کارآفرین در تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی» بیان کردند: موانع زیادی بر سر راه اثربخشی انتقال تجاری در دانشگاه کارآفرین وجود دارد که دربرگیرنده تقابل فرهنگ‌ها، عدم انعطاف بوروکراتیک، سیستم‌های ضعیف پاداش‌دهی و مدیریت غیر اثربخش دفاتر انتقال تکنولوژی دانشگاه‌ها می‌باشند. پژوهش کردنائیچ و همکاران (۱۳۹۱)، با عنوان «بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس» حاکی از آنست که دانشگاه تربیت مدرس برخی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین از جمله فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، تعامل مستمر با محیط، چشم انداز مشترک و راهبرد آینده‌نگر و منبع‌های انسانی مورد لزوم را دارد.

لینتون و کلینتون<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «آموزش کارآفرینی دانشگاهی: رویکرد یادگیری به طراحی تفکر حل مساله» نشان دادند که؛ این روش بیشتر در فرآیند کارآفرینی متمرکز است و نقش مهارت‌ها و ذهنیت را برجسته می‌کند. همچنین استدلال می‌شود که کارآفرینی یک روند خطی نیست بنابراین خلاقیت دارای ساختار متمرکز نبوده و یک فرایند بدون ساختار است. آگوو و آنوگبازی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «اثرات محیط‌های بازاریابی بین‌المللی بر توسعه کارآفرینی» نشان دادند که؛ عوامل محیطی و دیگر عوامل انسانی تاثیر قابل توجهی بر معاملات تجاری دارند. علاوه بر این، سیستم‌های سیاسی و مقررات دولتی در ارتباطات تجاری با موفقیت‌های کارآفرینی در حوزه‌های بین‌المللی بسیار مؤثر است. الغبولو<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان آمادگی دانشجویان برای کارآفرینی بر پایه عواملی چون شناسایی فرصت، انگیزه، منابع و توانایی از دانشگاه اسلامی ساینز در کشور مالزی با روش تحقیق توصیفی نشان دادند که این عوامل بر کارآفرینی آنها تأثیر داشته و آموزش منجر به

در پژوهشی تحت عنوان «دانشگاه کارآفرین: بررسی چالش‌های اساسی دانشگاهی با مطالعه موردی یکی از دانشگاه‌های جامع ایرلند» نشان دادند که چگونه دانشگاه کارآفرین ایده‌آل در درون دانشگاه جامع جا می‌گیرد. در این پژوهش استادان دانشگاه روش پایین به بالا و فعالیت‌های نرم (تحقیقات و انتشارات، قراردادهای تحقیقاتی، کنفرانسها و مشاوره غیررسمی و...) در کنار فعالیت‌های سخت (تشکیل شرکت، مالکیت معنوی و حق انحصاری، پروانه کسب و...) در توسعه دانشگاه کارآفرین ایده‌آل تعیین کننده دانستند.

### سؤالات پژوهش

آیا کارآفرینی دانشگاهی در دانشگاه مورد مطالعه در وضعیت مطلوبی قرار دارد؟

میزان اهمیت (اولویت بندی) شاخص‌های دانشگاه کارآفرین برای دانشگاه آزاد اسلامی به چه صورت است؟

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و رویکرد پژوهشی بکاربرده شده نیز، از نوع روش‌شناسی کمی بود. جامعه آماری اعضا هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز است که طبق فرمول کوکران ۲۸۳ نفر بصورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. محققان برای جمع‌آوری داده‌های کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای براساس مطالعات نظری و تجربی تدوین نمودند. پرسشنامه مذکور مشتمل بر دو بخش طراحی گردید. بخش اول شامل سؤالات زمینه‌ای و بخش دوم سؤالات مربوط به کارآفرینی دانشگاه‌ها بود. پرسشنامه از نوع طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و با مقیاس فاصله‌ای انتخاب گردیده است، بگونه‌ای که برای «بسیار کم» عدد «۱»، برای «کم» عدد «۲»، برای «تاحدودی» عدد «۳»، برای «زیاد» عدد «۴» و برای «بسیار زیاد» عدد «۵» در نظر گرفته شده است. برای تعیین روایی<sup>۳</sup> پرسشنامه روش‌های متعددی وجود دارد که در این پژوهش، برای بررسی روایی پرسشنامه نیز، از روش «روایی محتوا» استفاده شد. روایی محتوا به این مطلب اشاره می‌کند که نمونه سؤال‌های مورد استفاده در یک آزمون تا چه حد معرف کل جامع سؤال‌های ممکن است، که می‌توان از محتوا یا موضوع مورد نظر تهیه کرد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۴۶). بدین منظور پس از تدوین چهار چوب اولیه، جهت ارزیابی پرسشنامه

مانند مزایای مالیاتی نیز باید به عنوان روشی برای تشویق شرکت‌ها در جهت تأسیس یا ایجاد دانشگاه مدنظر قرار گیرد. آرانیا و گارسیا (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «ابعاد فرا مدل دانشگاه کارآفرین»، با مروری بر پژوهش‌های انجام گرفته درخصوص دانشگاه کارآفرین، شش مورد را بعنوان ابعاد این دانشگاه شناسایی کردند: ۱- چشم اندازمبتنی بر کارآفرینی؛ ۲- رهبری استراتژیک متعهد؛ ۳- تولید دانش مبتنی بر نوآوری؛ ۴- تبدیل دانش نوآورانه به سرمایه؛ ۵- توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و ۶- فرهنگ منسجم کارآفرینی. گارسیا اراسل و همکاران (۲۰۱۳)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های محیطی، تدریس، انتقال دانش، کارکنان، منابع مالی، دولت و مدیریت، تشکیل دهنده ی دانشگاه کارآفرین می‌باشند. کتی کیدی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی را با عنوان «یک مدل کارآفرینی دانشگاهی برای مؤسسات بین‌المللی آموزش عالی: مطالعه موردی در دانشکده بین‌الملل دانشگاه شیفلد» به انجام رساندند. مدل نهایی حاصل از تحقیق شامل چهار مفهوم ساختار اثر بخش مدیریت و عملیات، ارائه آموزش‌های توزیع شده، کارآفرینی و روح نوآورانه و بین‌المللی سازی بعنوان روح و هسته استراتژیک بوده است. همچنین ساختار سازمانی دانشگاه و فرهنگ کارآفرینی در سراسر آن تسهیل کننده تحولات راهبردی کارآفرینی در آموزش عالی هستند. گیب (۲۰۱۲)، در تحقیق خود که در دانشگاه‌های انگلستان انجام داده است، به این نتیجه رسید که مأموریت، چشم انداز و راهبرد، حمایت از انتقال و تبادل دانش، بین‌المللی سازی، آموزش کارآفرینی و اشتغال‌زینفعان، پنج جنبه‌ی مختلف یک دانشگاه کارآفرین هستند که در صورت وجود در هر دانشگاهی سبب ایجاد قابلیت و ظرفیت برای کارآفرین شدن آن دانشگاه می‌شوند. یوسف و همکاران (۲۰۱۲) تحقیقی را با عنوان «عوامل داخلی مؤثر بر کارآفرینی دانشگاهی: مورد مطالعه چهار دانشگاه مالزی» انجام دادند. نتایج نشان داد که کارآفرینی دانشگاهی تأثیر مثبتی بر تجاری‌سازی تحقیقات و فناوری دانشگاه دارد و سیستم‌های کنترل، فرهنگ سازمانی، سیستم‌های مدیریت منابع انسانی و رفتار رهبری از عوامل کلیدی توسعه کارآفرینی دانشگاهی در این دانشگاه‌ها بودند. فیلیپ و همکاران (۲۰۱۱)

### 3. Validity

1. Aranha & Garcia
2. Ketikidis

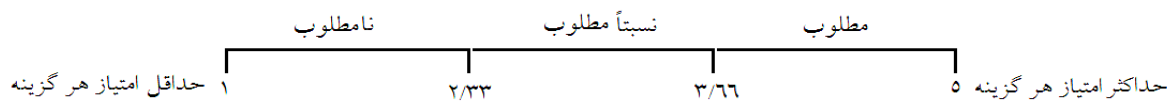
تحقیق از دیدگاه چند نفر از خبرگان دانشگاهی ارائه و نظرسنجی شد و مدل نهایی تدوین گردید. بمنظور سنجش پایایی پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که تمام ضرایب بدست آمده از ۰/۷ بالاتر بودند، که از لحاظ آماری معنادار و مورد تأیید می‌باشند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است.

جدول ۳. مقادیر پایایی متغیرهای مورد بررسی در تحقیق	
متغیرها	تعداد گویه‌ها
چشم‌انداز و مأموریت	۰/۷۳۸
ساختار حمایتی	۰/۸۱۷
نظام پژوهشی	۰/۸۱۷
وضعیت اجتماعی فرهنگی	۰/۸۰۶
وضعیت اقتصادی	۰/۷۹۷
تغییرات محیطی	۰/۷۱۹
رهبری	۰/۷۶۷
فرایند تجاری‌سازی	۰/۸۸۲
فرهنگ نوآوری	۰/۸۲۶
قابلیت شبکه‌سازی و ارتباطی	۰/۸۳۴
شایستگی	۰/۸۵۵
برنامه ریزی درسی	۰/۷۲۱
یاددهی و یادگیری	۰/۷۵۱

از طیف بازرگان و همکاران (۱۳۸۶) استفاده شده است. از آنجایی که پرسشنامه مورد استفاده پژوهش دارای طیف پنج گزینه‌ای است، فاصله بین اعداد ۱ تا ۵ به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود که در این پژوهش فاصله طیف مطلوبیت ۱/۳۳ به دست آمد.

### یافته‌ها

برای قضاوت در مورد مطلوبیت سطوح هر یک از فعالیت‌های شاخص‌های دانشگاه کارآفرین دانشگاه آزاد اسلامی تهران، از طیف استاندارد ارزیابی بازرگان و همکاران استفاده شده است. جهت تعیین طیف مطلوبیت برای پرسشهای پژوهش



### نمودار (۳) طیف سطح مطلوبیت بازرگان و همکاران در مقیاس لیکرت پنج ارزشی

آمده نشان داد که ۱۳ مؤلفه شاخص‌های کارآفرین در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند و مشخص می‌کند که وضعیت کلی شاخصهای دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تهران در حد نسبتاً مطلوب است.

بنابراین چنانچه میانگین هر مؤلفه بین ۱ تا ۲/۳۳ باشد، وضعیت نامطلوب، میانگین مؤلفه موردنظر بین ۲/۳۴ تا ۳/۶۶ باشد، وضعیت نسبتاً مطلوب و چنانچه میانگین بین ۳/۶۷ تا ۵ بدست آید وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود. نتایج بدست

جدول ۴. وضعیت و میانگین مولفه‌های دانشگاه کارآفرین			
متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میزان (درصد)
ساختاری	۲/۷۷	۱/۱۵۴	نسبتاً مطلوب
چشم‌انداز و مأموریت	۲/۷۶۱	۱/۲۹۵	نسبتاً مطلوب

نسبتا مطلوب	۱/۰۷۱	۲/۷۱۳	ساختار حمایتی
نسبتا مطلوب	۱/۱۷۹	۲/۸۳۴	نظام پژوهشی
نسبتا مطلوب	۱/۲۰۲	۲/۸۹	محیطی -زمینه‌ای
نسبتا مطلوب	۱/۲۱۶	۲/۸۵۶	اجتماعی-فرهنگی
نسبتا مطلوب	۱/۲۵۵	۲/۹۰۸	اقتصادی
نسبتا مطلوب	۱/۲۳۵	۲/۸۷۵	تغییرات محیطی
نسبتا مطلوب	۱/۱۰۵	۲/۷۲	فرآیندی
نسبتا مطلوب	۱/۰۳۲	۲/۶۲۳	رهبری
نسبتا مطلوب	۱/۲۳۲	۲/۸۱۷	فرایند تجاری سازی
نسبتا مطلوب	۱/۱۲۳	۲/۷۵۶	رفتاری
نسبتا مطلوب	۱/۱۴۴	۲/۷۴۱	فرهنگ نوآوری
نسبتا مطلوب	۱/۱۴۱	۲/۷۷۲	قابلیت شبکه‌سازی و ارتباطی
نسبتا مطلوب	۱/۱۰۲	۲/۷۱۵	توسعه‌ای
نسبتا مطلوب	۱/۲۰۳	۲/۶۶۲	شایستگی
نسبتا مطلوب	۱/۰۷۶	۲/۶۹۸	برنامه‌ریزی درسی
نسبتا مطلوب	۱/۲۰۰	۲/۷۸۶	فرایند یاددهی-یادگیری

برای متغیر  $t$  کمتر است پس فرضیه‌ی صفر تایید نمی‌شود و می‌توان گفت که گرایش پاسخ‌های ارائه شده بسوی گزینه‌های کمتر از متوسط است بنابراین طبق پژوهش انجام شده، دانشگاه آزاد اسلامی شاخصه‌های دانشگاه کارآفرین را نداشته است.

وضعیت شاخص‌های کارآفرینی به عنوان الگوهای دانشگاه کارآفرین: با توجه به جدول (۵) سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای وضعیت اجتماعی و فرهنگی، وضعیت اقتصادی و تغییرات محیطی از سطح خطا بیشتر می‌باشد، دلیلی برای رد فرضیه‌ی صفر وجود ندارد. اما سطح معناداری محاسبه شده برای سایر متغیرهای مورد مطالعه از سطح خطا

جدول ۵. نتایج آزمون  $t$  - استیودنت

عنوان متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره $t$	سطح معناداری
چشم انداز و ماموریت	۲/۷۶	۱/۲۹	۳/۰۹۴	۰/۰۰۲
ساختار حمایتی	۲/۷۱	۱/۰۷	۴/۵۰۷	۰/۰۰۰
نظام پژوهشی	۲/۸۳	۱/۱۷	۲/۳۶۱	۰/۰۱۹
وضعیت اجتماعی و فرهنگی	۲/۸۷	۱/۲۳	۱/۶۷۱	۰/۰۹۶
وضعیت اقتصادی	۲/۹۰	۱/۲۵	۱/۲۲۳	۰/۲۲۲
تغییرات محیطی	۲/۸۷	۱/۲۳	۱/۷۰۰	۰/۰۹۰
رهبری	۲/۶۲	۱/۰۳	۶/۱۳۵	۰/۰۰۰
فرایند تجاری سازی	۲/۸۱	۱/۲۳	۲/۴۹۸	۰/۰۱۳
فرهنگ نوآوری	۲/۷۴	۱/۱۴	۳/۸۰۶	۰/۰۰۰
قابلیت شبکه سازی و ارتباطی	۲/۷۷	۱/۱۴	۳/۳۵۵	۰/۰۰۱
شایستگی	۲/۶۶	۱/۲۰	۴/۷۱۷	۰/۰۰۰
برنامه‌ریزی درسی	۲/۶۹	۱/۰۷	۴/۷۱۷	۰/۰۰۰
فرایند یاددهی-یادگیری	۲/۷۸	۱/۲۰	۲/۹۸۷	۰/۰۰۳

مقایسه شاخص‌های کارآفرینی به عنوان الگوهای دانشگاه کارآفرین: برای رتبه‌بندی (اولویت‌بندی) پنج عامل شاخص‌های دانشگاه کارآفرین از آزمون تحلیل واریانس فریدمن استفاده شده است. با توجه به جدول (۶) بدست آمده از نرم افزار SPSS سطح معناداری از سطح معنی‌داری استاندارد ( $p = 0/05$ ) کمتر می‌باشد، بنابراین

فرضیه H1 در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌شود. از این رو می‌توان گفت بین شاخص‌های کارآفرینی تفاوت معناداری از نظر اولویت وجود دارد.

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌ها

شاخص	میانگین رتبه
ساختاری	۲/۹۷
محیطی	۳/۵۰
فرآیندی	۲/۷۶
رفتاری	۲/۹۲
توسعه‌ای	۲/۸۵
X <sup>۲</sup>	۳۹/۰۲۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

در رابطه با شاخص‌های ساختاری دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه کارآفرینی، نتایج نشان داد که سه مؤلفه اثرگذار بعنوان مؤلفه‌های ساختار سازمانی دانشگاه کارآفرین شناخته شدند که عبارتند از: چشم‌انداز و مأموریت، ساختار حمایتی و نظام پژوهشی. یافته‌ها با نتایج پژوهش آران‌ها و گارسیا (۲۰۱۴)، گورو و اوربانو (۲۰۱۲)، مرتضایی و همکاران (۱۳۹۷)، موسوی و همکاران (۱۳۹۶)، مهدوی‌مژده و همکاران (۱۳۹۲)، نوبخت‌وند و همکاران (۱۳۹۲) و تقی‌پورظهیر و حسن‌مرادی (۱۳۸۵) همسو است. با مرور ادبیات پژوهش، می‌توان چنین برداشت نمود که یکی از محورهای مهمی که در بحث دانشگاه کارآفرین وجود دارد، بحث چگونگی کارآفرین شدن و انجام اقدام‌های کارآفرینانه توسط دانشگاه است. یکی از عواملی که در ایجاد کارآفرین شدن دانشگاه سهم عمده‌ای دارد، ساختار سازمانی دانشگاه است. وجود ساختار سازمانی منعطف و پذیرای تغییر برای کارآفرینی در دانشگاه‌ها بسیار حیاتی است. محیط آکادمیک در دنیای امروز نمی‌تواند خود را جدا از محیط پیرامون بداند و باید در برابر عدم قطعیت‌های محیطی و فناوری‌های روزافزون، واکنش‌های مناسبی نشان دهد. بنابراین ساختار دانشگاهی باید نه تنها منعطف باشد، بلکه بحران‌های محیطی را به دیده فرصت بنگرد. طبق دیدگاه کلارک برای اینکه یک

دانشگاه بطور اثربخشی کارآفرینی داشته باشد، باید شکل صحیح تز ساختار سازمانی را انتخاب کند که به مؤسسه اجازه دهد با تغییرات اجتماعی سازگار شود و همچنین به افراد و گروه‌ها اجازه دهد که بیشتر از قبل فعالیت داشته باشند. ساختار سنتی در دانشگاه باید تغییر و چارچوب سازمانی جدید جایگزین آن شود که نگرش‌های سیال بودن و تغییرمداری را تشویق و ترغیب کند (کلارک، ۲۰۰۸؛ به نقل از میرکمالی و فرهادی‌راد، ۱۳۹۰). ساختار سازمانی فراتر از یک نمودار و الگویی برای ارتباطات و هماهنگی است که منابع انسانی، فناوری، وظایف و بطور کلی عناصر محیطی سازمان را برای رسیدن به اهداف آن به یکدیگر مرتبط می‌کند. برخورداری از ساختار کارآفرین به این معناست که ساختار به سوی پویایی، انعطاف‌پذیری، عدم تمرکز، تفویض اختیارات و داشتن کارکنان توانمند در حرکت است. بنابراین در دانشگاه‌های سنتی، ساختارها به ناچار باید به سمت و سوی آزادی حرکت کنند و استادان و سایر افراد باید بدانند چگونه نسبت به تغییر هوشمندانه رفتار نمایند (همان منبع). همچنین ساختارهای سازمانی و قوانین دانشگاه ممکن است محدودیت ایجاد کنند و در نتیجه، اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه و برنامه‌های عملیاتی آن را با مشکل روبه‌رو سازند. دانشگاهی که قصد دارد کارآفرین تربیت کند باید خود سازمانی انعطاف‌پذیر و کارآمد باشد تا بتواند در برابر تغییر و تحولات انعطاف داشته



باشد و فرصت‌های موجود در زمینه‌های مختلف را از دست ندهد (یلدریم و همکاران، ۲۰۱۲). یافتن منابع مالی مختلف برای دانشگاه به معنی استقلال مالی دانشگاه (از منابع مالی دولتی) است و به عنوان پیش نیاز مهمی برای ایجاد دانشگاه کارآفرینانه مطرح می‌شود. توسعه دانشگاه کارآفرین بعنوان پدیده اصلی مدل شامل مقوله‌های اصلاحات شورایی دانشگاه، تشکیل نظام پیشنهادات، طراحی و استفاده از یک مدل منسجم کارآفرینی دانشگاهی، بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات کارآفرینانه، سیاست‌گذاری با رویکرد کارآفرینی است. دانشگاه‌ها نیاز به مدلی برای شناخت و جمع‌آوری فعالیتهای کارآفرینی در همه سطوح دارند. ساختار کارآفرینی دانشگاه، فعالیتهای درون‌سازمانی را با فعالیتهای بوم‌سازگان کارآفرینی برون‌سازمانی هماهنگ می‌کند و ساختارهایی دارد که توسعه کارآفرینی را در همه جنبه‌ها تسهیل می‌کند. ساختار آن بگونه‌ای است که توسعه رفتارهای کارآفرینانه و مهارت‌های مربوط به آن را بهبود می‌بخشد و تحت حمایت خود قرار می‌دهد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).

در خصوص شاخص‌های محیطی-زمینه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه کارآفرینی، نتایج نشان داد که سه مؤلفه اثرگذار بعنوان مؤلفه‌های محیطی-زمینه‌ای دانشگاه کارآفرین شناخته شدند که عبارتند از: وضعیت اجتماعی و فرهنگی-وضعیت اقتصادی-تغییرات محیطی. در این دانشگاه‌ها گردهم آوردن ذخایر مالی اهمیت ویژه‌ای دارد و خصوصاً به کمک‌های دولتی نیز نیازمندند. مشاغلی که از این دانشگاه‌ها بهره‌مند می‌شوند مسلماً در توسعه فناورهای جدید، پیش رو خواهند بود. این فناوریه‌ها در تولید کالاها به کار رفته و منجر به بالا رفتن سطح استاندارد زندگی خواهد شد. دانشگاه کارآفرین باید به بازار دسترسی داشته و از تجارب افراد صاحب تجربه در بازار کمال بهره را ببرد. همچنین وجود افراد توانا و شایسته، علاقه‌مند و خلاق در چنین مجموعه‌هایی ضروری است. در این مراکز ارتباطات افراد و گروه‌ها به صورت باز و افقی است که معمولاً غیر رسمی نیز می‌باشد. وجود جلسات برای تبادل اطلاعات و فعالیت‌ها ضروری است و از ایده‌های جدید و خلاق استقبال می‌شود. در این دانشگاه‌ها نیروی انسانی و خصوصاً دانشجویان، با ارزش‌ترین منبع بحساب می‌آیند و از

ریسک‌پذیری و نوآوری آنها نیز حمایت بعمل خواهد آمد. می‌توان شعار این دانشگاه‌ها را آرمان مدون، آینده‌نگر، مشتری‌گرا و نوآور نوشت. تحول اقتصادی یکی از برنامه‌ها و اهداف کلیه کشورها می‌باشد. برای رسیدن به این امر مهم، ناگزیر به استفاده از توانمندی‌های درونی (مدیریت، نیروی انسانی، اطلاعات و امکانات) با الگوهای علمی در اقتصاد مبتنی بر دانش می‌باشیم. اقتصاد نوظهوری که تأکید آن به صنایع کوچک با درآمدزایی بسیار می‌باشد. صنعت و دانشگاه کارآفرین، مرتبط و هماهنگ باهم، از ابزارهای رسیدن به این هدف می‌باشد. دانشگاه کارآفرین با خلق و پرورش افراد کارآفرین و با ابداع روش‌ها و طرح‌های جدید و با از میان برداشتن موانع و مشکلات ارتباط خود با صنعت، منجر به تأسیس و راه اندازی صنایع کوچک شده و در نهایت تحول اقتصادی را به همراه دارد. همچنین باعث افزایش توان سرمایه‌های انسانی (نقش مهمی در تحول اقتصادی دارند)، و تولد تکنولوژی‌های جدید و نوظهور (در تحول اقتصادی به عنوان کاتالیزور عمل می‌کند)، می‌گردد (محمد پورشاطری، ۱۳۸۵). در مورد شاخص‌های فرایندی دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه کارآفرینی، نتایج حاکی از آن بود که بعد فرایندی شامل دو بعد رهبری و فرآیند تجاری‌سازی است که بعد تجاری‌سازی بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده بود ولی رهبری از نمره کمتری برخوردار بود. همچنانکه بررسی متون نشان می‌دهد بعد فرایندی بدست آمده در پژوهش در تحقیقات محمدپورو همکاران (۱۳۹۸) و موسوی (۱۳۹۶) نیز تکرار شده است و نتیجه پژوهش حاضر با این پژوهش‌ها همسو می‌باشد. تجاری‌سازی در توسعه کارآفرینی دانشگاهی نقشی بی‌بدیل و مؤثر دارد. تا جایی که از تجاری‌سازی بعنوان مهمترین مأموریت دانشگاه کارآفرین یاد می‌شود. نظام دانشگاهی به منظور توسعه تجاری‌سازی باید واحدهای نوین دانشگاهی از قبیل: مراکز رشد، پارک‌های علمی و تحقیقاتی و دفاتر انتقال فناوری را ایجاد کند. همچنین با تدوین و حمایت از قوانین مالکیت فکری زمینه لازم برای ایده‌پردازی و اختراع را فراهم می‌سازد. از طرفی حمایت‌های لازم در راستای ایجاد شرکتهای انشعابی و کسب و کارهای دانش محور را فراهم نماید. تحقق دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی که مأموریت این دانشگاه است، نیازمند برنامه

برنامه ریزی و استراتژی برای دستیابی به اهداف کارآفرینی، فناوری، تولید محصول داشته باشد. لازم است دانشگاهها در تمام بخشها و دانشکدهها با صنعت و کسب و کار درگیر شده و همکاری لازم را داشته باشند و تلاش جهت عقد قرارداد برای انجام پروژههای تحقیقاتی خاص با صنعت و یا انجام تحقیقات بر اساس نیاز بازار و صنعت، هدایت پایان نامهها در زمینههای کسب و کار در اهم وظایف خود قرار دهند. کارورزی و کارآموزی دانشجویان در بخش صنعت و آموزشهای کارآفرینی از طرق مختلف توسعه یابد. رویکردهای چند رشتهای ایجاد و واحدهای کارآفرینی در کوریکولومهای درسی اضافه شود. تشویق افراد به انتقال دانش و تجاری سازی با دادن پاداشهایی به آنان به نزدیک شدن دانشگاهها به دانشگاههای کارآفرین کمک می کند. همچنین بمنظور تقویت زیرساخت دانشگاه کارآفرین، تأسیس شرکتهای وابسته به دانشگاه در راستای تجاری سازی دانش و انتقال فناوری راهبردی است که موجب افزایش توان دانشگاهها در درآمدزایی می شود و برای فارغ التحصیلان آنها شغل تولید می کند. آگاهی از شاخصهای تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشگاهها و رتبه بندی دانشگاههای کشور از این منظر کمک شایان توجهی به متولیان کارآفرینی کشور، به ویژه برنامه ریزان آموزشی عالی می کند. در نتیجه، وزارت آموزش عالی و فناوری می تواند دانشگاهها را با توجه به معیارهای دانشگاه کارآفرین رتبه بندی کند و هر سال این رتبه بندی را بازبینی نموده و نتایج آن را به دانشگاهها ارائه دهد. در نهایت، با توجه به اهمیت بسیار زیاد کارآفرینی در توسعه کشورها و نظام آموزش عالی، پیشنهاد می شود همچون سایر دانشگاههای کشورهای توسعه یافته، در فرآیند ارزیابی دانشگاههای آزاد اسلامی وجود مرکز کارآفرینی با ساختار علمی و منسجم و نیز میزان فعالیت آن به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی دانشگاه مورد توجه قرار گیرد.

#### پیشنهادهای برای انجام تحقیقات آتی

جهت آزمون عملی و اجرایی مدل دانشگاه کارآفرین در دانشگاه آزاد اسلامی، پیشنهاد می شود که پژوهشی تحت عنوان «طراحی و تبیین الگوی مناسب دانشگاه کارآفرین» با گردآوری و تحلیل دادهها، بصورت آینده پژوهی انجام گیرد. همچنین مطالعات تطبیقی با دانشگاههای کشورهای دیگر نیز می تواند ارائه کننده الگوهای کارآفرینی دانشگاهی با استفاده از تئوری تحلیل شکاف باشد.

این تحقیق می تواند بینشهای ارزشمندی جهت انجام پژوهش آتی در این زمینه ارائه نماید. انجام مطالعات چند

ریزی و توجه و شناخت کامل به اهداف درون و برون سازمانی است. به زعم پترکا (۲۰۱۱) رهبری قوی در فرآیند تغییر دانشگاه از اهمیت بسیاری برخوردار است. چنانچه ریاست دانشگاه مفهوم دانشگاه کارآفرینانه را نپذیرد، امکان تبدیل دانشگاه به یک دانشگاه کارآفرینانه بسیار کم می شود. مدیریت مشارکتی شامل ایجاد ساختار مدیریتی است که تمام بخشهای دانشگاه را به رفتارهای مبتکرانه و کارآفرینانه تشویق و ترغیب می کند، و دستیابی به اهداف گروهی را نسبت به کسب موفقیتهای شخصی در اولویت قرار می دهد. رئیس دانشگاه بعنوان رهبر آن مجموعه با اعتقاد و نگرش مثبت به کارآفرینی و نوآوری و تشویق و ترغیب استادان برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه و همچنین مدیران ارشد با حمایت آشکار و همه جانبه از توسعه بومسازگان کارآفرینی دانشگاه نقش تعیین کننده در توسعه دانشگاه کارآفرین دارند. چهارمین بعد بدست آمده در پژوهش بعد رفتاری است که این بعد نیز در چند پژوهش دیگر از جمله محمدپور و همکاران (۱۳۹۸)، حسنی و همکاران (۱۳۹۶)، تقی پور ظهیر و حسن مرادی (۱۳۸۵) و گورو و اوربانو (۲۰۱۲) بدست آمده و پشتوانه نظری و تجربی پژوهش حاضر شده است. بعد پنجم تحت عنوان بعد توسعه ای نیز در تحقیق حسنی و همکاران (۱۳۹۶) آمده است. بعد توسعه ای نشان دهنده این موضوع است که کارآفرینی دانشگاهی می بایست بطور مستمر توسعه را دنبال کند و این نیازمند به کارگیری و توجه به ویژگیهای توسعه دهنده می باشد.

#### پیشنهادهای کاربردی

درجهت تغییر ساختار برای کارآفرینی دانشگاهی لازم است حمایتهای مالی، معنوی و حقوقی از طریق ایجاد یک معاونت دانش بنیان انتقال فناوری و مالکیت معنوی صورت پذیرد. از ایده های جدید از طریق وام، سرمایه گذاری و یا پذیرش طرحهای دانشگاهی حمایت گردد. پارکهای فناوری و مراکز رشد و مراکز شتاب دهنده، تجهیز و بروزرسانی شوند. از سیستمهای انگیزشی، پاداش و پشتیبانی و ارتقا برای کارکنان، دانشجویان و هیات علمی جهت رفتار کارآفرینی از ایدهها تا توسعه و پیاده سازی استفاده بعمل آید. مدیرانی به مدیریت دانشگاهها، دانشکدهها و گروهها (همه بخشها) انتخاب و منصوب شوند که نوآوری، کارآفرینی و فناوری را بعنوان بخشی از چشم انداز پذیرفته و متعهد به اجرا باشند تا بتواند طراحی،

صمدی میارکلائی، ح؛ آقاجانی، ح؛ صمدی میارکلائی، ح. (۱۳۹۳). ارزیابی شاخص‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه مازندران براساس روش فازی. توسعه کارآفرینی، ۷(۲): ۳۶۹-۳۸۸.

عابدی، ب. (۱۳۹۶). طراحی دانشگاه کارآفرین کشاورزی و منابع طبیعی، از نظریه تا عمل. دکتری تخصصی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، استاد راهنما مسعود برادران.

عزیزی، م؛ شفیع زاده، ا؛ اکبرزاده، ن. (۱۳۹۲). شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه‌ی مورد نیاز مدیران دانشگاهی. توسعه کارآفرینی، ۶(۲): ۲۷-۵۳.

فرامرزی‌نیا، ض؛ فرهادی‌راد، ح. (۱۳۹۳). مفاهیم و ضرورت دانشگاه کارآفرین و ارائه مدل نظری سنجش دانشگاه کارآفرین در دانشگاه شهید چمران اهواز. همایش بین‌المللی مدیریت، تهران، موسسه سفیران فرهنگی مبین.

فرامرزی‌نیا، ض؛ فرهادی‌راد، ح. (۱۳۹۵). تحلیل امکان پیاده‌سازی دانشگاه مدل کارآفرین در دانشگاه شهید چمران اهواز. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۱(۷۱): ۶۵-۸۶.

کردناچی، ا؛ احمدی، پ؛ قربانی، ز؛ نیکان لاهیجی، ن. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس. توسعه کارآفرینی، ۵(۳): ۴۷-۶۴.

محمدپور، س؛ سالارزهی، ح؛ وظیفه، ز؛ یعقوبی، ن؛ کمالیان، ا. (۱۳۹۸). طراحی و تدوین الگوی جامع دانشگاه کارآفرین با رویکرد فراترکیب. مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۸(۲): ۳۶۹-۳۸۶.

محمدپور شاطری، م. (۱۳۸۵). دانشگاه کارآفرین و نقش آن در تحول اقتصادی. مجموعه مقالات اولین همایش نوآوری و کارآفرینی در استان آذربایجان شرقی.

مرتضایی، ح؛ صالحی، م؛ نیازآذری، ک. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های انسانی اثرگذار ساختار سازمانی در دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان به منظور ارائه مدل مناسب. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۱۲(۴۱): ۳۱-۶۰.

مهدوی‌مزده، م؛ بانک، م؛ زاهدی، مر؛ پورمسگری، م. (۱۳۹۲). تعیین شاخص‌های تاثیرگذار در کارآفرین بودن دانشگاه‌های دولتی ایران و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از این منظر. سیاست علم و فناوری، ۱۶(۱): ۲۲-۳۳.

سطحی جهت شناسایی عوامل مؤثر بر دانشگاه کارآفرین در سطوح تحلیل متفاوت و نیز انجام مطالعات تطبیقی و برجسته سازی عوامل نهادی و زمینه‌ای در شدت اهمیت پیش‌رانه‌های کارآفرینی دانشگاهی می‌تواند مسیری جذاب برای پژوهش‌های آتی باشد.

### سپاسگزاری

از تمامی شرکت کنندگان این پژوهش، که پژوهشگران رادر انجام آن یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

### منابع

بارانی، ش؛ اطهری، ز؛ زرافشانی، ک. (۱۳۸۸). بررسی دلایل گرایش به کارآفرینی دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی (مطالعه موردی استان کرمانشاه). توسعه کارآفرینی، ۲(۶): ۷۳-۹۵.

بازرگان، ع؛ سرمد، ز؛ حجازی، ا. (۱۳۸۶). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

بهزادی، ن؛ رضوی، م؛ حسینی، س.ر. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۲۶: ۶۳۷-۷.

پوررشیدی، ر؛ شجاعی فرح‌آبادی، ح. (۱۳۹۱). رسالت دانشگاه کارآفرین در توسعه اقتصادی، اجتماعی، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان شرکت پژوهشی طرود شمال، بابلسر.

تقی‌پورظهیر، ع؛ حسن‌مرادی، ن. (۱۳۸۵). الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین. فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، ۱۸(۲): ۳۱-۴۰.

حسینی، ز؛ ابوالقاسمی، م؛ مشبکی اصفهانی، ا. (۱۳۹۶). ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای. پژوهش در نظامهای آموزشی. ویژه‌نامه، ۱۲۱۳-۱۲۳۴.

دانایی‌فرد، ح؛ الوانی، س؛ آذر، ع. (۱۳۸۷). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: صفار.

- Proceedings of the 2013 EU-SPRI Forum Conference, Madrid 10-12.
- Gibb AA. (2012). exploring the synergistic potential in entrepreneurial university development: towards the building of a strategic framework. *Ann Innovation Entrepreneursh*; 3:1e24. 10.
- Gibb, A., Haskins, G., Robertson, I. (2013). *Leading the Entrepreneurial University: Meeting the Entrepreneurial Development Needs of Higher Education Institutions. Universities in Change, Innovation, Technology, and Knowledge Management*, Springer Science & Business Media New York, DOI: 10.1007/978-1-4614-4590-6\_2, pp 9-45.
- Gibb, A.; Haskins, G. & Robertson, I. (2009). *Leading the entrepreneurial university: meeting the entrepreneurial development needs of higher education institutions*. Saïd business school, University of Oxford.
- Graham, R. (2014). *Creating University-Based Entrepreneurial Ecosystems: Evidence from Emerging World Leaders*. Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology.
- Guerreo, M. Gunningham, J. Urbano, D. (2015). Economic impact of entrepreneurial universities' activities: An exploratory study of the United Kingdom. *Research Policy* 44:748-764.
- Guerrero, M and Urbano, D. (2012). The development of an entrepreneurial university. *Journal of Technology Transfer*, 37(1), 43- 74.
- Hwan Cho, M. (2014). Technological catch-up and the role of universities: South Korea's innovation – based growth explained through the corporate Helix Model , *Triple Helix aspringer open J*, 1:2.
- Jameson, J., O'Donnell, P. (2015). *The Entrepreneurial University: a Unifying Theme for TU4Dublin*. Stream1: Enterprise and Engagement, Higher Education in Transformation Conference.
- Ketikidis, P. H., Ververidis, Y., & Kefalas, P. (2012). An Entrepreneurial Model for Internationalisation of Higher Education: The Case of City College, An International Faculty of The University of Sheffield. The 11th International Conference on Science-to-Business Marketing and Successful Research Commercialisation, 90-102.
- Kirby, D. A., Guerrero, M., and Urbano, D. (2011). Making universities more entrepreneurial: Development of a model. *Canadian Journal of Administrative Sciences/Revue Canadienne des Sciences de l'Administration*, 28(3), pp. 302-316.
- Lendel, I. (2003). The impact of research universities on regional economies: the concept of university products. *Economic Development Quarterly*, 24(3): 210- 230.
- موحدی، ر؛ سپه‌پناه، م. (۱۳۹۵). بررسی مدل دانشگاه کارآفرین در مراکز آموزش عالی کشاورزی. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، ۳(۴): ۱۷-۳۷.
- موسوی، س ح؛ صالحی عمران، ا؛ فراستخواه، م؛ توفیقی، ج. (۱۳۹۶). ارائه مدل توسعه دانشگاه کارآفرین در ایران. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، ۱۹(۷۶): ۱-۲۸.
- میرکمالی، س م، فرهادی‌راد، ح. (۱۳۹۰). طراحی مدلی برای اندازه گیری سازگاری سازمانی دانشگاه با محیط بیرونی (مطالعه ی دانشگاه های دولتی شهر تهران). *مجله ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۱۹-۲: (۲)۶.
- نویخت وند، ج؛ نیکنام طوسی، و؛ نیکونام طوسی، ح. (۱۳۹۲). دانشگاه کارآفرین و رویکرد آن در ماریج سه‌گانه روابط صنعت -دولت -دانشگاه. همایش ملی دانشگاه کارآفرین، صنعت دانش محور، دانشگاه مازندران.
- هادی‌زاده، ج؛ ثقفی، م؛ فتحی، اس. (۱۳۹۲). آموزش و توسعه کارآفرینی. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور)، بابلسر، دانشگاه مازندران.
- Agwu, M.E., Onwuegbuzie, H.N. (2018). Effects of international marketing environments on entrepreneurship development. *Journal of innovation and Entrepreneurshp*, 1-14.
- Aranha, E. A. & Garcia, N. A. P. (2014). Entrepreneurial University and the Brazilian System for the Evaluation of Higher Education. *International Business Research*, 7 (8), 73-82.
- Castro-Martinez, E., Jimenez-Saez, F., Arroyo-Vazquez, M. (2013). What might an entrepreneurial university constitute? EU-SPRI Forum Conference, Madrid 10-12, ISBN 978-84-695- 7408-9.
- Clark, B. R. (2005). *Sustaining change in universities: Continuities in case studies and concepts*. Maidenhead: Open University Press.
- Dabic, M. –Loureiro, M., Daim, T. (2015). Unraveling the attitudes on entrepreneurial universities: The case of Croatian and Spanish universities. *Technology in Society* 42:167e178.
- Etzkowitz, H. (2004). The Evolution of the Entrepreneurial University. *International Journal of Technology and Globalization*, 1(1): 64-77.
- Etzkowitz, H., and Leydesdorf, L. (2000). The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university-industry-government relations. *Research Policy*, 29: 109-123.
- Garcia-Aracil, A., Castro-Martinez, E., Jimenez-Saez, F., Arroyo-Vazquez, M. (2013). What might an entrepreneurial university constitute?

- Linton, G., & Klnton, M. (2019). University entrepreneurship education: a design thinking approach to learning. *Journal of innovation and Entrepreneurship*, 1-11.
- Marques, J.P.C., Carac-a, J.M.G., and Diz, H. (2006). How can universityindustry- government interactions change the innovation scenario in Portugal? The case of the University of Coimbra. *Technovation*, 26: 534-542.
- Olugbola, s.A. (2017). Exploring entrepreneurial readiness of youth and startup success components; Entrepreneurship training and a moderator. *Journal of innovation and knowledge*. V, 2. Issue3. pages 155-171.
- Peterka, S. O. (2011). Entrepreneurial university as the most important leverage in achieving knowledge-based society. *The Ninth International Conference: Challenges of Europe: Growth and Competitvness – Reversing the Trends*, Faculty of Economics University of Split, Croatia, May 26 – 28.
- Philpott, K. Dooley, L. O'Reilly, C. Lupton, G. (2011). The entrepreneurial university: Examining the underlying academic tensions. *Technovation*, vol.31, pp. 161 170.
- Rothaermel, F.T., Agung, S.D., Jiang, L. (2007). University entrepreneurship: a taxonomy o f the literature. *Industrial and Corporate Change*, 16 (4), 691–791.
- Salamzadeh, A., Salamzadeh, Y., & Daraei, M.R. (2011). Toward a Systematic Framework for an Entrepreneurial University: A Study in Iranian Context with an IPOO Model. *Global Business and Management Research: An International Journal*, 3(1), 30- 37.
- Sporn, B. (2001). Building Adaptive Universities: Emerging Organizational Forms Based on Experiences of European and US Universities. *Tertiary Education and Management*, 7(2): 121-134.
- Vogel, R., and Keen, W. (2010). Public higher education and New York State's economy. *Economic Development Quarterly*, 24(4): 384–393.
- Yildirim, N., Bige Askun, O. (2012). Entrepreneurship Intentions of Public Universities in Turkey: Going Beyond Education and Research? *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 58, pp. 953-963.
- Yusof, M., SaeedSiddiq, M., & Nor, L.M. (2012). Internal Factors of Academic Entrepreneurship: the Case of Four Malaysian Public Research Universities. *Journal of Entrepreneurship, Management and Innovation (JEMI)*, 8(1), 2012: 84-1.